

### بررسی شاخصه‌های جامعه زمینه ساز ظهور با تأکید بر روایات نصرت

سید محمدرضی آصف‌آگاه \*

#### چکیده

در این مورد که آیا زمینه‌سازی برای ظهور و حکومت امام مهدی عج لازم است، یا بالعکس، این که وظیفه ما زمینه‌سازی نیست و از ما فقط عمل به دستورات دینی را خواسته‌اند؛ دو دیدگاه وجود دارد. بررسی این دو دیدگاه به طور مبسوط، مجال وسیع می‌طلبد. نیز زمینه‌سازی را از ادله و راه‌های گوناگونی می‌توان اثبات کرد. در این مقاله، به اثبات ضرورت زمینه‌سازی با استفاده از آیات و روایات و همچنین نصرت و یاری امام زمان عج می‌پردازیم و شاخصه‌های نصرت الاهی را بیان می‌کنیم.

در این نوشتار، پس از معنا کردن واژه «نصرت» و واژه‌های همگون با آن؛ و نیز تعریف زمینه‌سازی و مراتب آن؛ به بیان ارتباط نصرت با زمینه‌سازی (به سه بیان) و ضرورت زمینه‌سازی می‌پردازیم. سپس به اثبات ضرورت زمینه‌سازی با استفاده از روایات نصرت خواهیم پرداخت.

کلید واژه‌ها: روایات، زمینه سازی ظهور، نصرت، عون، صحبت.

با پذیرش هر دینی، مسئولیت یاری آن دین و یاری هدایت‌گران به آن آیین، بر دوش متدینان قرار می‌گیرد. با پذیرش اسلام و مذهب تشیع، جهت یاری دین، پیامبر و امامان، با آنان پیمان بستیم. حال که در زمان غیبت به سر می‌بریم و امام عصر علیه السلام ظهور ندارد، برای خروج از این محرومیت باید تلاشی مضاعف کنیم و به یاری همه‌جانبه امام به پا خیزیم و برای ظهورش تلاش نماییم. آیات و روایات عون و نصرت، به روشنی بر لزوم یاری و نصرت خدا، دین و اولیای الهی دلالت دارند. تلاش برای ایجاد زمینه‌های ظهور یکی از روشن‌ترین مصادیق یاری دین و اولیای خدا شمرده می‌شود. در ادامه این امر بررسی می‌شود.

#### واژه‌شناسی

##### ۱- عون و نصرت

در روایات، یاری امام مهدی علیه السلام با واژه‌های مختلفی بیان شده است؛ مانند عون، نصرت، ذب، مدد. اما روایات یاری امام زمان علیه السلام بیش‌تر با دو عنوان «نصرت» و «عون» آمده‌اند. در این مقاله، بیش‌تر از این دو عنوان بهره می‌گیریم؛ هر چند از هر واژه‌ای که به نوعی معنای «یاری» را دربر داشته باشد نیز استفاده می‌کنیم. «عون»، در لغت به معنای هر گونه کمک به دیگران است (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۲۱۶۸)<sup>۱</sup> و در این‌جا مراد هر گونه یاری برای تحقق اهداف امام زمان علیه السلام در جهت ظهور است.

«نصرت»، در فرهنگ لغت، به معنای یاری در برابر دشمن است (عسکری، ۱۴۱۲: ص ۵۴۰).<sup>۲</sup> پس، «نصرت» اخص از «عون» می‌شود. مراد از نصرت در این‌جا گونه‌های یاری

۱. العون: الظهير علی الأمر.

۲. النصر: يختص علی الأعداء و المعوفة: عامة من كل شيء فكل نصر معونة و لا ینعکس و یدل علیه قوله تعالی انا لنصر رسلنا، ینصرک الله نصراً عزیزاً، و نصرهم فکانوا هم الغالبین فإن مساق الآیات الإخبار عن ظفر الانبیاء و نصرتهم علی أعدائهم اما بالغلبة او بالحجة؛ نصرت دارای

امام مهدی علیه السلام در فرض وجود دشمن است.<sup>۱</sup>

تفاوت دیگر عون و نصرت در این است که نصرت، بیش تر حالت دفاعی و موضع گیری سلبی در برابر تهاجمات دشمن دارد؛ اما عون اعم از آن است؛ بلکه در آن، حالت تهاجمی و سازندگی برجسته است و در آن، یاور مهدی علیه السلام فعالانه به میدان می آید، نه انفعالی و پس از حمله دشمن.

یاری کامل امام عصر علیه السلام با دو گونه موضع گیری ایجابی و سلبی تحقق می یابد. آن گاه که دشمن جبهه گیری می کند و به میدان مقابله گام می گذارد، یاور مهدی علیه السلام در سنگرهای دفاعی از حریم دین و مهدویت پاسداری می کند؛ اما مرتبه بالاتر یاری، زمانی محقق می شود که یاوران مهدی با برنامه ریزی، راهبر سازی و طراحی دکترین فعال، برای ظهور تلاش فکری و عملی کنند و نه تنها کشور یا منطقه ای خاص، بلکه جهان را برای ظهور آماده سازند.

## ۲- نصرت و ذب

چنان که گذشت، یاری در برابر دشمن را «نصرت» گویند. «ذب»، در لغت، به معنای دفع و طرد کردن است. عرب می گوید: «ذب عن حریمه»، (فیروز آبادی، ج ۱، ص ۶۷). از قید «حریم» می توان استفاده کرد که دشمنی از سطح دشمنی معمول بالاتر رفته تا آن جا که نه تنها جان شخص، بلکه حریم، خانواده و مقدسات (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۲، ص ۴۶).<sup>۲</sup> او زیر سؤال می رود. هر گاه سطح دشمنی بالاتر رود و به رویارویی انجامد، به دفاع با تمام وجود و توان مندی نیاز می شود. و بنابراین، دفاع جانانه در خط مقدم جبهه را «ذب» نامند.

مهدی یاور، زمان و موقعیت شناس است و با ارتقای توان مندی های خود، در هر زمان و هر

....

معانی است ولی هر جا به معنای یاری آمده با قید علی عدوه است. رک: الصحاح، مصباح المنیر، اساس اللغة و...

۱. در روایات، بیش تر دشمنان نظامی و فرهنگی مورد نظر قرار گرفته اند.
۲. «حریم»، در لغت به معنای اطراف یک چیز و چیزی است که حرمت دارد.

مکان موضع‌گیری مناسب دارد و با شناسایی موقعیت‌ها و در نظر گرفتن شرایط، اقدام مناسب را که گاه با شدت و مقابله و رویاروی همراه است، پیش رو می‌گیرد.

### ۳- نصرت و صحبت (انصار و اصحاب)

«اصحاب»، جمع «صَحْب»، (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۱۶۰)،<sup>۱</sup> به معنای معاشر و همنشین است. بنابر تعریف مشهور، صحابی پیامبر ﷺ به کسی گفته می‌شود که در حال مسلمانی، پیامبر ﷺ را ملاقات کرده و با حال مسلمانی از دنیا رفته و مرتد نگردیده است. از این رو، اویس قرنی هر چند دارای مقام والایی است؛ چون با پیامبر ﷺ مصاحبت نداشته است، از صحابی پیامبر شمرده نمی‌شود. اصحاب ائمه عليهم السلام کسانی هستند که با ائمه عليهم السلام همراه بوده و معارف دینی را از آن‌ها اخذ نموده‌اند؛ خواه این مدت، کوتاه باشد، خواه بلند<sup>۲</sup> (مدنی، ۱۴۱۵: ج ۲، صص ۹۰ - ۹۴).

### تفاوت انصار و اصحاب

«اصحاب»، اعم از «انصار» است؛ بدین معنا که ممکن است برخی از اصحاب پیامبران یا امامان، آن‌ها را در رسیدن به هدفشان یاری نکنند؛ این‌ها انصار نیستند؛ مثلاً سلیمان بن صرد خزاعی از اصحاب امام حسین عليه السلام است؛ اما از انصار او نیست. در زیارت امام حسین عليه السلام عنوان انصار به کار رفته است: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ»؛ چنان‌که بین «اصحاب» و «اخوان» تفاوت است؛ مثلاً پیامبر به اطرافیان خود می‌فرماید: شما یاران من هستید و برادران من در آخرالزمان می‌آیند (صفا، ۱۴۰۴: ص ۱۰۴).

از این بیان، تفاوت دیگری نیز به دست می‌آید: صحابی دو گروه می‌شوند: اصحاب باوفا و

۱. الاصحاب جمع صحب مثل فرخ و افراخ.

۲. چند تعریف برای صحابی شده است: یک: مَنْ أَلْقَى النَّبِيَّ مُؤْمِنًا بِهِ وَ مَاتَ عَلَى الْإِسْلَامِ وَ لَوْ تَخَلَّكَ رِدَّةً (تعریف بالا)؛ دو: مَنْ طَلَّتْ مُجَالَسَتَهُ لَهُ ﷺ عَلَى طَرِيقِ التَّبَعِ وَ الْأَخَذِ عَنْهُ (تعریف اصولیان). حدود ۱۱۴۰۰۰ صحابی عنوان شده است که آخرین آن‌ها ابوطیفیل عامر بن وائله بوده که در سال ۱۰۰ هجری قمری فوت کرده است.

اصحاب بی‌وفا. بنابراین، صحابی به مثبت و منفی تقسیم می‌گردند؛ اما انصار معصومین علیهم‌السلام همیشه مثبت می‌باشند.

در روایات در مورد یاران امام مهدی علیه‌السلام هر دو واژه اصحاب و انصار به کار رفته است و از یاوران واقعی و ویژه امام زمان علیه‌السلام بیش‌تر به اصحاب تعبیر می‌شود.<sup>۱</sup>

تفاوت اصحاب و انصار امام زمان علیه‌السلام با دیگر معصومین علیهم‌السلام آن است که اصحاب پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم قبل از نبوت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم امتحان اخلاص نداشتند؛ در حالی که اصحاب مهدی علیه‌السلام باید پیش از ظهور امتحان بدهند و از مخلصین گردند؛ سپس یاور مهدی علیه‌السلام شوند و اگر یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این درجه رسیده بودند، حکومت جهانی تشکیل می‌شد. (صدر، صص ۵۹ - ۶۰). نشانه مخلص نبودن یاران پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، عدم پیروی از امام و دنیاگرایی آنان می‌باشد. حکومت جهانی حداقل دو شرط اساسی دارد: وجود رهبر و قانون جهانی، و وجود یاوران ویژه جهانی. در زمان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فقط شرط اول حاصل شد و شرط دوم، در زمان مهدی حاصل می‌شود. این شرط پس از امتحانات ویژه اتفاق می‌افتد. از این‌رو، در روایات آمده است که: اصحاب مهدی از اصحاب پیامبر افضل هستند.<sup>۲</sup>

۱. در روایتی از امام علی علیه‌السلام می‌خوانیم: «الْأُمَّةُ الْمَعْدُودَةُ أَصْحَابُ الْقَائِمِ الثَّلَاثِمِائَةِ وَ الْبِضْعَةُ عَشْرَةٌ»، امام باقر علیه‌السلام در ذیل آیه «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» می‌فرماید: هُم اصحابُ المهدی فی آخر الزمان. قمی، ۱۴۱۴: ج ۱، ص ۳۲۳؛ کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱۷، ص ۲۴۹؛ حلی، ۱۴۱۶: ص ۲۸۶ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۵، ص ۱۷۸.

۲. امام صادق علیه‌السلام به ابو خالد کابلی فرمود: «إِنَّ أَهْلَ زَمَانِ غَيْبَتِهِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ وَ الْمُتَنْتَظِرِينَ لِظُهُورِهِ أَفْضَلُ مِنْ أَهْلِ كُلِّ زَمَانٍ».

سپس وجه برتری را این‌گونه معرفی می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَعْطَاهُمْ مِنَ الْعُقُولِ وَ الْأَفْهَامِ وَ الْمَعْرِفَةِ مَا صَارَتْ بِهِ الْعَيْبَةُ بِمَنْزِلَةِ الْمَشَاهِدَةِ... أَوْلَيْكَ الْمُخْلِصُونَ حَقًّا وَ شِيعَتُنَا صِدْقًا». (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۳۱۹، ب ۳۱، ح ۲، کورانی، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۱۹۵)

در برخی روایات تصریح شده که یاوران مهدی علیه‌السلام در زمان غیبت، از یاران پیامبر و یاران زمان ظهور امام عصر افضل هستند. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «أَنْتُمْ أَفْضَلُ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ» و وجه برتری را سختی و تقیه می‌شمارد. (تلعکبری (شیخ مفید) ۱۴۱۱: صص ۲۰-۲۱، کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، ص ۳۳۳، ح ۳)

### تعریف زمینه‌سازی

«زمینه‌سازی» در لغت، به معنای به وجود آوردن و فراهم کردن مقدمات و شرایط انجام دادن امری است (فرهنگ دهخدا؛ انوری، ۱۳۸۲: ج ۵، ص ۳۸۷۷).

مراد از زمینه‌سازی در این نوشتار، ایجاد و گسترش هرگونه عقیده و رفتار در جامعه است که به نحوی موانع ظهور را کم‌رنگ یا برطرف نماید و یا برای نزدیک‌تر شدن ظهور مقتضی و سبب گردد.

با چنین تعریفی، گستره وسیعی از عقاید و رفتارها، زمینه‌سازی محسوب می‌گردد. هر گونه عقیده و عمل دینی و عبادی، مثل نماز خواندن و روزه گرفتن (عمل کردن به واجبات و ترک محرمات) و گسترش دین در جامعه، از یک طرف مردم را از سطح متدین ادعایی به سطح متدین واقعی نزدیک می‌سازد. از این‌رو، در سرشت آنان پذیرش ولی و امام را ولو ناخودآگاه نهادینه می‌کند و از گفتار به باور می‌کشاند و تلاش برای رسیدن به آن زمان را دوچندان می‌نماید. قرآن نیز وراثت زمین را به صالحان نوید داده و راه رسیدن به صلاح، ایمان و عمل صالح است.

از طرف دیگر، وجود یاوران خاص از شرایط ظهور است که به نظر می‌رسد در چنین جامعه‌ای امکان ایجاد چنین یارانی فراهم می‌آید.

### مراتب زمینه‌سازی

زمینه‌سازی ظهور، دارای سه سطح اصلی است. از آن‌جا که زمینه‌سازان سه گروه هستند:

خدا، امام و مردم؛ زمینه‌سازی نیز سه سطح دارد:

۱- زمینه‌سازی خدا برای ظهور؛

۲- زمینه‌سازی امام زمان علیه السلام برای ظهور خود؛

۳- زمینه‌سازی مردم برای ظهور امام مهدی علیه السلام.

در این نوشتار، درباره زمینه‌سازی مردمی ظهور بحث می‌کنیم.

زمینه‌سازی منتظران نیز دارای مراتبی است:

۱- **دین‌مداری:** منتظران باید ابتدائاً خود، دین (عقاید، اخلاق و احکام) را بشناسند و به آن عمل کنند؛ سپس آن را در جامعه گسترش دهند. در روایات بر دینداری و رعایت اخلاق تأکید به‌سزایی شده است. با گسترش دین‌داری در جامعه زمینه ظهور فراهم می‌گردد.

ممکن است گفته شود، چگونه نام دین‌مداری را زمینه‌سازی می‌گذارید؟

در پاسخ باید گفت: دین، موتور حرکت به سوی ظهور است؛ زیرا اعتقاد به مهدویت از درون دین سرچشمه می‌گیرد. در نتیجه، گسترش دین (به معنای درست و کامل آن، نه دین‌گزینی) زمینه‌سازی ظهور را به دنبال دارد.

۲- **اعمال خاص فردی:** بعضی روایات به برخی وظایف یاران اشاره می‌کند. لذا هر شخص باید خود را بسازد و تمام تلاش خود را مبذول کند تا یکی از یاوران حضرت گردد و بدین وسیله با تحقق دادن به شرط ظهور، زمینه ظهور را فراهم سازد؛ یا به نحوی در این مسیر گام بردارد؛ مثل آمادگی نظامی (مَنْ ارْتَبَطَ دَابَّةً)، انتظار، دعا، تقوا و ورع و محاسن اخلاق.

۳- **اعمال و کارویژه‌های خاص اجتماعی:** برای سرعت بخشیدن به ظهور، یاران مهدی علیه السلام وظایف جمعی نیز دارند که می‌توان به چند مورد اشاره کرد: وفای به عهد امامت، نزدیکی قلوب، ایجاد تفکر عدالت‌خواهی در جامعه و جهان.

تذکر این نکته لازم است که زمینه‌سازی، به این معنا نیست که کاری کنیم تا مثلاً ۵۰ سال دیگر ظهور محقق گردد. در زمینه‌سازی، عنصر «زمان» (به معنای حتمی بودن وقوع ظهور در آن زمان) به دست ما تعیین نمی‌شود. شاهد بر این مطلب، آن که حضرت نوح علیه السلام دست به دعا برداشت و از خدا یاری خواست تا از شر منکران نجات یابد و سپس حکومت خود را تشکیل دهد و در ضمن، سالیان متمادی به کاشت درخت، جهت ساخت کشتی مشغول بود. کشتی‌سازی یکی از زمینه‌های نزدیک شدن به نجات بود؛ اما سالیان متمادی طول کشید. بر این اساس، نمی‌توان زمان خاص را برای ظهور تعیین کرد یا توقع داشت.

## ارتباط نصرت با زمینه‌سازی

با چند بیان می‌توان ارتباط نصرت با زمینه‌سازی را توضیح داد:

**بیان اول (یکی بودن نصرت و زمینه‌سازی):** از آن‌جا که یاری هر فرد یا گروه، به معنای فراهم آوردن شرایطی است که آن‌ها را به هدفشان نزدیک می‌کند (و زمینه‌سازی؛ چنان‌که گفته شد به معنای فراهم آوردن مقدمات و شرایط انجام امری است)؛ میان نصرت و زمینه‌سازی (که از آن به «يُوطِنُونَ» تعبیر می‌شود) تفاوت چندانی نیست؛ زیرا در هر گونه یاری زمینه‌سازی برای رسیدن یاری‌شونده به هدفش وجود دارد. پس، زمینه‌سازی جزء مفهوم نصرت است و عنصر زمینه‌سازی در هر یاری‌ای نهفته است. گویا در روایات، زمینه‌سازی با واژه‌های مشابهی به کار می‌رود که بین این واژه‌ها تفاوت چندانی نیست؛ کلماتی همانند نصرت، انتظار، احیای امر.

با تحلیل مفهومی این واژه‌ها می‌توان به معنای زمینه‌سازی رسید. زمینه‌سازی، مفهومی جدا از این مفاهیم نیست و گویا عبارت دیگر آن واژه‌ها می‌باشد.

در عصر غیبت، هر گونه یاری امام باید در جهت تسریع ظهور باشد؛ زیرا ظهور مهم‌ترین خواسته امام عصر علیه السلام است و امام برای برآورده شدن این خواسته حالت اضطرار دارد (قمی، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۱۲۹)<sup>۱</sup> و چنان‌که در تعریف زمینه‌سازی گذشت، آن‌چه موجب تسریع ظهور گردد، زمینه‌سازی نامیده می‌شود. پس، هرگونه یاری امام زمان علیه السلام زمینه‌سازی برای ظهور است. البته زمینه‌سازی سطوحی دارد: گاه یاری، سطح بالایی از زمینه‌سازی را به همراه دارد و گاه می‌تواند ما را تنها قدمی به ظهور نزدیک کند.

**بیان دوم (نصرت دلیل زمینه‌سازی):** آیات و روایات نصرت، می‌توانند از ادله اثبات‌کننده زمینه‌سازی باشند. ضرورت و وجوب زمینه‌سازی را می‌توان از ادله مختلفی اثبات کرد. یکی از آن ادله، نصوص بیانگر نصرت امامان علیهم السلام؛ مخصوصاً امام مهدی علیه السلام است.<sup>۲</sup> در این بیان،

۱. در ادامه خواهد آمد که «مضطر» در آیه «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ...»، بر به امام زمان علیه السلام تطبیق داده می‌شود.

۲. در ادامه، نصوص نصرت به صورت مبسوط مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.



نصرت مقدمه ظهور است و هر آن چه مقدمه ظهور باشد، زمینه ساز ظهور است. پس، باید با یاری حضرت برای ظهورش زمینه سازی نمود.

**بیان مقدمه بودن نصرت برای ظهور:** یاری امام، یعنی کمک به امام در جهت رساندن امام به هدفش است. هدف هر امامی اجرای حاکمیت الهی است. حاکمیت الهی در سطح گسترده و جهانی، تنها با حکومت معصوم علیه السلام قابل اجرا است و این ظهور است که حکومت معصوم علیه السلام و حاکمیت الهی را به دنبال دارد.

**تفاوت این دو بیان:** در بیان اول، زمینه سازی جزء مفهوم نصرت بود؛ در نتیجه هر یاری ای زمینه سازی می شود؛ اما در این بیان، نصرت و زمینه سازی دو مفهوم جدا هستند: نصرت مقدمه ظهور است و هر آن چه مقدمه ظهور باشد، زمینه ظهور را فراهم می کند. پس، روایات نصرت، بر زمینه سازی دلالت می کند.

**بیان سوم:** هر حرکتی به پیش زمینه هایی نیاز دارد. ظهور نیز با فراهم آمدن مقدمات آن حاصل می شود. وجود یاران و اقبال عمومی از شرایط ظهور هستند؛ پس، باید این امور قبل از ظهور تحقق یابند. روایات نصرت، با بیان لزوم یاری امام عصر علیه السلام و نیز بیان شیوه های یاری حضرت، وظیفه عملی منتظران را مشخص می کند و آنان را در جهت ساختن جامعه مهدی یاور سوق می دهد. دانستن ویژگی های یاران امام و کوشش در کسب آن، تلاش برای زمینه سازی ظهور است. زمینه سازی، یعنی یاور مهدی علیه السلام ساختن. گویا دسته ای از روایات نصرت - با بیان این که وجود یاران شرط ظهور است<sup>۱</sup> - ما را به ساخت یاور برای مهدی علیه السلام مکلف می نماید؛ زیرا این دسته از روایات حداقل زمینه های ظهور را بیان می کند و به ضمیمه روایات دسته اول (که به زودی ذکر می شود) تأکید دارد که بایستی زمینه ها را ایجاد کرد و یا به قریبه عقلی که زمینه سازی مطلوب است؛ لزوم زمینه سازی اثبات گردد.

**تفاوت بیان دوم با بیان سوم:** در بیان دوم، بر مقدمه بودن نصرت نسبت به ظهور تأکید

۱. مانند روایات «لَوْ كَمَلَتِ الْعِدَّةُ...» که بعداً ذکر می شود و در آنها آمده است: «أُظْهِرَ اللَّهُ أَمْرَهُ يَا لِقَامَ قَائِمُنَا».

شد؛ اما در بیان سوم، بر مقدمه بودن نوع خاصی از نصرت (نصرت امام در جهت ساخت یارانی که شرط ظهورند) تأکید می‌گردد. به عبارت دیگر، زمینه‌سازی، یعنی فراهم آوردن شرایط ظهور. یاری امام زمان علیه السلام هم یکی از شرایط ظهور است و تا یاران به حد کافی نرسند، زمینه ظهور فراهم نمی‌گردد. طبق آیه **﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾** (انبیاء: ۱۰۵)<sup>۱</sup>؛ وعده وراثت زمین و حکومت بر آن به بندگان نیکوکار داده شده است. پس باید در جهت ساختن بندگان پرهیزکار تلاش نمود.

ممکن است گفته شود، اصل ظهور، مثل بعثت است و آن امری الهی است که ممکن است در محیط کاملاً مایوس‌کننده یا خفقان با مداخله خدا و به صورت معجزه تحقق یابد؛ پس اصل ظهور به زمینه‌سازی نیاز ندارد تا بخواهیم به وسیله نصوص، نصرت آن را اثبات کنیم؛ بلکه آن چه نیازمند زمینه‌سازی است، حکومت اسلامی است.

در پاسخ می‌توان گفت، اولاً؛ در روایات، وجود یاران از شرایط اصل ظهور شمرده شده است.<sup>۲</sup>

**ثانیاً:** امامت، همانند بعثت است، نه این که ظهور مانند بعثت باشد. اصل وجود و حضور امام شاید به زمینه‌سازی نیاز نداشته باشد و خدا در نظام خلقت، امامت را یک رکن قرار داده است؛ اما ظهور امام علیه السلام به زمینه‌های مناسب نیازمند است. از آن جا که علت غیبت امام زمان علیه السلام به عملکرد ما و ترس امام از کشته شدن مربوط است؛ هرگاه این مانع رفع شود و یاران فراهم آیند، ظهور محقق می‌شود.

**ثالثاً:** تحقق ظهور حضرت به صورت معجزه نیست و اگر با معجزاتی همراه باشد؛ سهم زمینه‌سازی یاران در آن بسیار زیاد است. نکته این است که چون معجزه ظهور یا ظهور معجزه‌گونه تاکنون اتفاق نیفتاده است؛ باید زمینه حاصل شود، وگرنه همان‌گونه که قبل از ظهور، مردم لیاقت حفظ جان امام علیه السلام و یآوری او را نداشتند؛ پس از ظهور هم به دلیل همان

۱. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. مانند روایات لو کملت العدة... که بعداً ذکر می‌شود و در آن‌ها آمده: «أظهر الله أمره یا لقام قائمنا».

بی‌لیاقتی، باید امام غایب یا شهید گردد تا زمانی که زمینه پذیرش و یاران او در میان مردم فراهم شود.

### اثبات زمینه‌سازی با استفاده از نصوص نصرت

برای اثبات زمینه‌سازی براساس آیات و روایات نصرت دو روش برای اثبات زمینه‌سازی می‌باشد:

۱- دسته‌هایی از روایات که بر زمینه‌سازی دلالت دارند؛

۲- آیاتی که معیار و مکانیسم نصرت الاهی را بیان می‌کنند. با دستیابی به این معیارها می‌توان به وظایف خود در جهت رسیدن به نصرت الاهی (یعنی ظهور<sup>۱</sup>) آشنا شد و برای تسریع در تحقق آن زمینه‌سازی کرد.

در این پژوهش، روایات نصرت که صراحت بیش‌تری دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند: روایات یاری که بر زمینه‌سازی دلالت دارند:

چند دسته از روایات، با مضامین مختلف و گاه نزدیک به هم، بر لزوم یا اهتمام به زمینه‌سازی دلالت دارند:

۱- دسته‌ای از روایات به صورت کبرای کلی، نصرت و یاری هر امام حقی را بر مردم واجب می‌داند. امام علی علیه السلام به ابوالدرداء می‌فرماید: امام، یا امام هادی است یا امام ضال. در صورت اول، واجب النصر است و در صورت دوم، یاری او حرام است: «... إِمَّا إِمَامٌ هُدًى حَرَامُ الدَّمِ وَاجِبُ النَّصْرِ، لَا تَحِلُّ مَعْصِيَّتُهُ وَلَا يَسَعُ الْأُمَّةُ خِذْلَانَهُ...» سپس می‌فرماید: «كَانَ إِمَامًا وَاجِبًا عَلَى النَّاسِ طَاعَتُهُ وَنُصْرَتُهُ». (سلیم‌بن قیس، بی‌تا: ص ۲۹۱ و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۱۴۴).

این روایت، بر وجوب نصرت امام حق تأکید می‌کند و با توجه به صدر و ذیل روایت، قطعاً

۱. در ادامه بیان می‌شود که وجه تام نصرت الاهی، تحقق ظهور است و با ظهور، خداوند بالاترین نوع نصرت خود را به نمایش درمی‌آورد؛ چنان‌که در روایات نیز از نصرت الاهی، به ظهور و زمان ظهور تعبیر شده است.

چنین نصرتی در جهت فراهم‌سازی پذیرش و حکومت آنان می‌باشد. پس، نصرت امام، زمینه ساز ظهور حاکمیت آنان بر جامعه می‌باشد. مهدی‌یاوران نیز با چنین یاری می‌توانند زمینه ظهور و سپس حکومت امام مهدی علیه السلام را فراهم سازند.

برخی روایات، با صیغه امر به ضرورت آمادگی جهت برای ظهور امام مهدی علیه السلام دستور

می‌دهد:

«لِيُعِدَّنَ أَحَدَكُمْ لِخُرُوجِ الْقَائِمِ عليه السلام وَلَوْ سَهْمًا فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى إِذَا عَلِمَ ذَلِكَ مِنْ نَبِيِّهِ رَجُوتُ لَأَنْ يَنْسِيَ فِي عُمُرِهِ حَتَّى يُدْرِكَهُ فَيَكُونَ مِنْ أَعْوَانِهِ وَ أَنْصَارِهِ» (نعمانی، ۱۳۸۳: ص ۳۲۰).

طبق این روایت، یاور مهدی علیه السلام بودن در زمان ظهور (فیکون من اعوانه و انصاره) به آماده‌سازی خود جهت یآوری امام عصر علیه السلام در زمان غیبت نیازمند است (لیعدن). ناصر زمان ظهور باید در زمان غیبت مشق یآوری نماید. مهدی‌یاور، با یآوری در زمان غیبت، زمینه ظهور را فراهم می‌سازد و با یآوری زمان ظهور، زمینه حکومت امام و اصلاح جوامع را مهیا می‌گرداند و چه زیبا این روایت، میان یآوری زمینه‌سازانه قبل از ظهور و یآوری پس از ظهور، جمع می‌کند! امام صادق علیه السلام در روایت دیگر می‌فرماید:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَتَنَطَّرْ وَ لِيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُتَنَطِّرٌ فَإِنَّ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلَ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجِدُّوا وَ انْتَظَرُوا هَنِيئًا لَكُمْ أَيُّهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ» (نعمانی، ۱۳۸۳: ص ۲۰۷، ح ۱۶).

در این روایت نیز، بین یآوری زمان ظهور (یکون من اصحاب المهدی) و تلاش زمینه سازی برای ظهور (فجدوا وانتظروا) ارتباط برقرار می‌کند. این روایت بر چند مطلب دلالت دارد:

۱- انتظار، ورع و محاسن اخلاق یاورساز مهدی علیه السلام است؛

۲- انتظار، ورع و محاسن اخلاق مراتبی دارد. یاوران مهدی علیه السلام نیز دارای مراتبی هستند.

میان یاوران عصر ظهور و یاوران عصر غیبت، ارتباط است. یآوری دوران ظهور، از مسیر یآوری در عصر غیبت می‌گذرد. پس، باید زمینه‌های ظهور را در عصر غیبت فراهم ساخت و

با کوششی زمینه‌سازانه در جهت تسریع به ظهور قدم برداشت؛ چنان که در روایات به صورت کلی از هر شیعه می‌خواهد امام زمانش را یاری نماید. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به عثمان بن حنیف به چهارگونه یاری و دستور می‌دهد:

«لكن فَأَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعَقَّةٍ وَسِدَادٍ» (سید رضی، خ ۱۱۸).

۱- پرهیزکاری: این نکته و این واژه با عبارت‌های مختلف از چند امام نقل شده و در آن‌ها از شیعیان اعانت به ورع و اجتهاد خواسته شده است (کلینی، ۱۳۶۳: ج ۸، ص ۲۱۲، ج ۲۵۹؛ همان، ج ۲، ص ۲۳۳، ج ۱۰) در روایات متعددی از یاوران و منتظران، ایجاد و تقویت صفت «ورع» خواسته شده است. ورع، به انسان بصیرت در انتخاب می‌دهد. یاور مهدی علیه السلام باید دنیا را همانند میدان مین ببیند و در اندیشه باشد که مبادا با انتخاب نادرست، امامش را دلگیر کند و مبادا با چنین انتخابی ظهور او را به عقب بیندازد. آری، اگر تو این کمی وقت شناس بودند؛ شیرینی قیام امام حسین علیه السلام را به جهانیان می‌چشانند.

۲- تلاش و پشتکار در اجرای وظایف: انسان سالیان متمادی تلاش کرد تا به علم و تکنولوژی فعلی دست یافت؛ توانست به کره ماه رود و به توان‌مندی‌های زیادی دست یابد؛ ظهور مهدی علیه السلام نیز تلاش و زمینه‌سازی فردی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می‌طلبد.

۳- عفت و پاک‌دامنی و دوری از هوا و هوس: یاور مهدی علیه السلام باید مرد عمل باشد و با عفت عملی، خود، و جامعه را به سوی ظهور هدایت کند. «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أُلْسِنَتِكُمْ» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۷۸)، همیشه بر گوش یاوران طنین‌انداز است. از این‌رو، همیشه خود بهترین رفتار را انتخاب و مردم را به بهترین رفتار در جهت سرعت بخشیدن به ظهور دعوت می‌کند.

۱. مانند: فأعينوني على ذلك بورع و اجتهاد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۲۱۲)؛ امام صادق علیه السلام نیز فرمود: والله إنكم لعلی دین الله و دین ملائکته، سپس دو مرتبه فرمود: فأعينوني بورع و اجتهاد؛ امام صادق علیه السلام: إن شیعة علی علیه السلام خَمَصُ البَطُونِ، ذِبْلُ الشَّفَاةِ و اهل رَأْفَةٍ و علمٍ و حلمٍ، يعرفون بالرهبانية فأعينوا علی ما أتمم علیه بالورع و الاجتهاد (همان، ج ۲، ص ۲۳۳).

۴- استواری رفتار: «سداد»، کامل‌ترین شکل یاری امام عصر علیه السلام است و عبارت است از: پر کردن شکاف‌ها و رفع کمبودها و کاستی‌ها. آنان که به یاری معصوم علیه السلام نظر دارند، ابتدا می‌بایست کاستی‌های خود و جامعه را جبران نمایند و خود را به سطح بالاتری از یآوری امام عصر علیه السلام برسانند. شیخ مفید از دسته علمایی است که با رسیدن به عنوان «سدید»، امام او را به برادری برگزید؛ (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۳۲۲).<sup>۱</sup> همانان که پیامبر صلی الله علیه و آله در آخرالزمان «برادران» خود خوانده بود (صفار، ۱۴۰۴: ص ۱۰۴، ب ۱۴، ح ۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۱۳۴).<sup>۲</sup>

۲- روایاتی که به نوعی منتظران را به یاری امام مهدی علیه السلام ترغیب و تشویق می‌نمایند و آنان را بهترین مردم می‌شمارند.

در حدیث قدسی آمده است:

«أحبُّ الخلقِ إلى القَوَّامونَ بحَقِّي، و أفضلُهُم لَدِي و أكرمُهُم عَلَي مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ سَيِّدِ الْوَرَى و أكرمُهُم و أفضلُهُم بَعْدَهُ عَلَيُّ أَخِي المصطفى المرتضى، ثُمَّ مِن بَعْدِهِ مِنَ القَوَّامِينَ بالقسطِ مِن أئمةِ الحَقِّ، و أفضلُ النَّاسِ بَعْدَهُم مَن أَعَانَهُم عَلَي حَقِّهِمْ، و أحبُّ الخلقِ إلى بَعْدَهُم مَن أَحَبَّهُمْ و أَبْغَضَ أَعْدَاءَهُمْ و إِنْ لَمْ يُمْكِنَهُ مَعُونَتُهُمْ» (تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۴۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲۷، ص ۹۶). محبوب‌ترین مردم نزد من کسانی هستند که حق مرا به پا می‌دارند. افضل و اکرم مردم نزد من محمد صلی الله علیه و آله و علی و امامان علیهم السلام هستند و بعد از آنان، کسانی هستند که معصومان را در رسیدن به حقیقتشان یاری می‌رسانند.

۱. در توقیعی از امام زمان آمده است: «الاخ السدید».

۲. پیامبر دو مرتبه فرمود: اللهم لَقْنِي اخوانی! اصحاب گفتند: مگر ما برادران تو نیستیم؟! پیامبر فرمود: «لا، انکم اصحابی، و إخوانی قومٌ من آخرالزمان آمنوا بی و لم یرونی... لأحدُهُم أشدُّ بقیةً عَلَي دینِهِ مِن خَرَطِ القِطَاةِ فی اللَّیْلَةِ الظلماءِ أو كالقابضِ عَلَي جَمْرِ الغِضَا اولئک مصابیحُ الدُّجی یُنجِیهِم اللهُ مِن کُلِّ فِتْنَةٍ غَیْرَاءِ مُظْلَمَةٍ». پس، رسیدن به مقام برادری پیامبر و امام زمان علیه السلام به استقامت فراوان نیازمند است؛ چرا که در روایت همانند دست بر خار کشیدن و زغال گذاخته در دست نهادن است (محمد صفار، بصائر الدرجات، ص ۱۰۴، ب ۱۴، ح ۴).

امام باقر علیه السلام فرمودند:

«مَنْ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ عَلَى عَدُوِّنَا أَنْطَقَهُ اللَّهُ بِحُجَّتِهِ يَوْمَ مَوْقِفِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ عَزَّوَجَلَّ»<sup>۱</sup>.

هر کس ما را با زبان خود یاری کند خدای متعال روز قیامت زبانش را گویا گرداند.

نیز امام علی علیه السلام فرمودند:

«نَاصِرُنَا وَ مَحْبَبُنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ» یاری کننده دوست‌دار ما منتظر رحمت باشد (سید

رضی، خ ۱۰۸).

این دسته از روایات، با بیان جایگاه یاران امامان که پس از پیامبر و ائمه افضل مردم هستند و این که چنین یاری در رحمت الاهی را می‌گشاید و سعادت ابدی برای آنان به ارمغان می‌آورد؛ شیعیان را به قدم نهادن در جهت یاری ائمه تشویق می‌نمایند.

عبارت «مَنْ أَعَانَهُمْ عَلَى حَقِّهِمْ» در روایت اول، گویای این مطلب است که یاری باید زمینه گرفتن حق امامان علیهم السلام و حکومت آنان را فراهم سازد (القوامین بالقسط). این امر در زمان غیبت با تسریع به ظهور (زمینه‌سازی ظهور) امکان‌پذیر است.

نیز عبارت «مَنْ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ عَلَى عَدُوِّنَا»، بر شیوه‌ای از یاری تأکید می‌کند که غایت آن، یاری رساندن به ائمه تا پیروزی بر دشمنان می‌باشد. در زمان غیبت، یاوران، زمینه غلبه نهایی حق بر باطل را ایجاد یا به اندازه توان خود در نزدیک شدن ظهور تلاش می‌کنند. اگر هشام بن حکم به مدال با ارزش «هَذَا نَاصِرُنَا بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ» (سیدرضی، ۱۴۱: ص ۵۲ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۲۹۵). از ناحیه امام زمانش دست یافت، یاوران مهدی نیز با زمینه‌سازی برای ظهورش می‌توانند به چنین افتخاری، بلکه افتخار «برترین یاوران» (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۳۱۹). نایل آیند.

در قسمت سوم (ناصِرُنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ)، عنوان «رحمت» مراتبی دارد که بالاترین مرتبه رحمت الاهی با ظهور محقق می‌شود. آری؛ در زمان ظهور است که جلوه تام رحمت الاهی

۱. تلعبکبری (شیخ مفید)، محمد، امالی، ص ۳۳، ح ۷؛ در این زمینه روایات دیگری با چنین مضمونی موجود است. رک: فقیه ایمانی، آیت‌الله محمدباقر، شیوه‌های یاری قائم آل محمد علیهم السلام، ص ۱۹-۱۵.

نمایان می‌گردد. با این بیان، هم خود ظهور می‌تواند جلوه تام رحمت الاهی باشد و با چنین رحمتی مزین گردد.

۳- احادیثی که وجود ناصر و یاری‌کننده را برای قیام هر امامی شرط لازم می‌شمارد: در برخی روایات مهدوی وجود یاران ویژه، از شرایط ظهور شمرده می‌شود؛ به طوری که هر گاه آنان کامل شوند، ظهور تحقق می‌یابد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«لو اجتمع علی الامام عدة اهل بدر ثلاثمائة و بضعة عشر رجلاً لوجب علیه الخروج بالسيف» (تلکبری (شیخ مفید)، ۱۳۷۲: ج ۷، ص ۱۳). اگر به عدد لشکریان اسلام در جنگ بدر (۳۱۳ نفر) گرد امام جمع شوند، قیام مسلحانه بر امام واجب می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«لو کملت العدة الموصوفة ثلاثمائة و بضعة عشر كان الذي تُريدون» (نعمانی، ۱۳۸۳: ص ۲۱۰، ب ۱۲، ح ۴). هرگاه سیصد و اندی نفر کامل شوند، آنچه که اراده دارید به وقوع می‌پیوندد.

نیز ذیل روایت دیگر، با عبارتی واضح‌تر چنین بیان می‌شود: «أظهر الله أمره» (صدوق، ۱۴۰۵: ج ۳، ص ۳۷۷، ب ۳۶: ح ۷) یا «لقام قائمنا» (طبرسی، ۱۴۱۸: ص ۶۳).

براساس روایت اول، وجود تعداد لازم از یاور، حجت را بر معصوم تمام می‌کند تا به قیام دست بزند. البته یاران در سطوح مختلفی از معرفت و ایمان هستند؛ برای نمونه آنان که به امام علی علیه السلام روی آوردند تا با آن حضرت بیعت کنند، از مالک اشتر تا افراد ساده و گاه منافقان آینده یا دنیاطلب بودند. پس، در زمان غیبت، هنوز آن تعداد از یاران فراهم نشده‌اند؛ لذا امام مهدی علیه السلام ظهور و قیام نمی‌نماید. وظیفه ما این است که با خودسازی و ساختن جامعه، زمینه تحقق یاران مورد نیاز را فراهم آوریم و با چنین کاری در ظهور تسریع کنیم.

در روایات بعدی نیز وجود ۳۱۳ یار خاص شرط ظهور شمرده شده است. ما باید با هدایت خود و جامعه، زمینه تحقق یاران ویژه مهدی علیه السلام را فراهم سازیم تا ظهور محقق گردد.

۴- روایاتی که علت محروم شدن از ظهور معصوم علیه السلام در بین مردم را عدم یاران محافظ بیان می‌کند:



امام صادق علیه السلام: زمانی که ابوطالب فوت کرد جبرئیل بر پیامبر نازل شد و عرض کرد یا محمد از مکه خارج شو. در این شهر یار و یآوری نداری. پیامبر هراسان از مکه خارج شد (کلینی، ۱۶۳۶: ج ۱، ص ۴۴۹، ح ۳۱ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۹، ص ۱۵).

یا روایاتی که اشاره دارند پیامبران و امامان به سبب نداشتن یار و یاور کشته شدند: «أَنْبِيَاءُ اللَّهِ لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قُتِلُوا وَالْأُمَّةُ مِنْ بَعْدِهِمْ قُتِلُوا وَ لَمْ يُنْصَرُوا» (قمی، ۱۴۴۱: ج ۲، ص ۲۵۸ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۶۵ و ج ۶۷، ص ۱۴). پیامبران الهی در دنیا یاری نشده و به قتل رسیدند. امامان پس از آنان نیز یاری نشده و به قتل رسیدند.

در روایات مهدوی نیز یکی از علل غیبت ولی عصر علیه السلام، خوف قتل شمرده می شود؛ چنان که زراره از امام صادق علیه السلام علت غیبت امام زمان علیه السلام را می پرسد. امام صادق علیه السلام در جواب او می فرماید: «يُخَافُ عَلَيَّ نَفْسَهُ» بر جان من ترسید (صدوق، ۱۴۰۵: ص ۴۸۱).

جامعه مهدی یاور، باید یاری اش به گونه ای باشد که موانع ظهور حضرت، همانند خوف قتل را از بین ببرد و بدین وسیله زمینه ظهور حضرت را فراهم آورد. مهدی یاوران نمی توانند به حداقل ها بسنده، یا با روی آوردن به ظاهر بعضی عبادات خیال کنند تمام تکلیف خود را انجام داده اند. مهدی یاور باید اعمالش مانع ظهور را کم رنگ کند یا آن را از بین ببرد و سبب ظهور را ایجاد کند. آیا رفتارهای غیر مسئولانه و گزینشی که با عاقبت طلبی سازگار است، می تواند ادعای یاور مهدی بودن را به اثبات برساند؟!

۵- برخی از روایات، نصرت امام را به عنوان میثاق الهی بیان می نماید؛ چنان که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «... أَخَذَ مِيثَاقُ الْأَنْبِيَاءِ بِالْإِيمَانِ وَ النَّصْرَةِ لَنَا» (حلی، ۱۳۷۰: ص ۳۳ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۳، ص ۴۷).

تمامی انبیا علیهم السلام برای پیامبر یا پیامبران بعدی زمینه سازی کردند و با بشارت دادن به پیامبر یا رسول بعدی برخی معارف و توصیه ها را در دسترس متدینان قرار دادند تا آنان حق شناس و حق پذیر گردند و با پرورش یاران و سایر اقدامات... زمینه های اجتماعی آمدن پیامبر آینده را فراهم نمودند. نیز امامان علیهم السلام برای امام یا امامان پس از خود زمینه سازی نمودند این زمینه سازی ها براساس میثاقی است که خدا از انبیا، اولیا و در رده های پایین تر از همه امت

گرفته که باید دین خدا و منادیان دین الاهی را یاری نمایید. در عصر غیبت هم، یاران، کسانی هستند که به عهد یاری خود عمل و با چنین عملی در جهت نزدیک کردن ظهور کمک می‌کنند.

در دعای عهد می‌خوانیم: «اللهم إني أجددُ له في صبيحة هذا اليوم و ما عشتُ من أيامي عهداً و عقداً و بيعةً»؛ خدایا در این صبح و روزهای دیگر، پیمانم را با تو تجدید می‌کنم. و سپس آن پیمان‌ها را می‌شمارد: «اللهم اجعلني من أنصاره و أعوانه و الذابین عنه و المسارعین إليه في قضاء حوائجه و المُمْتَلین لأوامره و المُحَامین عنه و السابقین إلى إرادته و المُستشَهِدین بینه یدیه.» خدایا مرا از یاران مهدی عجل الله فرجه قرار ده و از کسانی که از او دفاع کرده و حوائج او را برآورده می‌کند و از اوامر او پیروی کرده از او حمایت می‌کند و برای تحقق اراده امام سبقت می‌گیرد و در رکاب امام شهید می‌شود. یاور مهدی در عصر غیبت باید هر صبح، با امام زمانش عهد یاری ببندد؛ عهدی که پیامبران هم قبل از آن با امامان بستند که یاور آنان باشند و در به ثمر رسیدن اهداف آنان تلاش نمایند. همان‌گونه که پیامبران، پس از پیمان بستن در جهت زمینه‌سازی برای پیام‌آور بعدی تلاش کردند؛ ناصران امام عصر عجل الله فرجه نیز پس از بستن عهد نمی‌توانند دست روی دست بگذارند؛ بلکه براساس شرایط زمان باید برای ظهور زمینه‌سازی کنند. ۶ دعاهایی که معصوم عجل الله فرجه به ما می‌آموزد تا از خدای متعال درخواست یاری امام را داشته باشیم:

در دعای عهد، از خدا می‌خواهیم ما را از یاوران مهدی قرار دهد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وِ أَعْوَانِهِ» و سپس گونه‌های یاری (عون) تا سرحد شهادت را برمی‌شمارد: گونه‌های یاری ایجابی: سرعت‌گیری در برآوردن حوائج امام (المُسَارِعِينَ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ)، فرمان‌برداری از اوامر (المُمْتَلِينَ لِأَوَامِرِهِ) و سبقت‌گیری در تحقق اراده او (السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ).

گونه‌های یاری سلبی و تدافعی: دفاع در برابر دشمن (نصرت)، دفاع جانانه (ذب) و حمایت و دفاع همه‌جانبه (حمایت).

تمامی این گونه‌های یاری، به زمینه‌سازی برمی‌گردد؛ چرا که مهم‌ترین حاجت امام طبق آیه «أَمَّنْ يَجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ» (سوره نمل، آیه ۶۲)؛ و روایت ذیل آن، ظهور است<sup>۱</sup> و طبق این فقره از دعا «المسارعين اليه في قضاء حوائجه»، یاور مهدی باید برای برآوردن حاجت امام (ظهور) تلاشی مضاعف نماید. نیز از مهم‌ترین اوامر امام، زمینه سازی برای ظهور است (فجدوا و انتظروا و...)<sup>۲</sup> براساس جمله «والممتهلين لأوامره»، مهدی یاور باید به بهترین نحو در فرمان برداری از این امر کوشش نماید. اراده امام در جهت تعجیل ظهور است؛ از این رو خود برای فرجش دعا و تلاش می‌نماید و از منتظران می‌خواهد برای فرجش آماده شوند. عبارت «والسابقين إلى إرادته»، از یاوران امام زمان عجل الله فرجه می‌خواهد برای تحقق اراده امام، یعنی ظهور، همت گمارند.

یاور مهدی عجل الله فرجه با موقعیت‌شناسی بهترین موضع‌گیری تدافعی را انتخاب می‌کند (نصرت). هرگاه سطح دشمنی بالاتر رود، او هم با شدت بیش‌تری مقابله می‌کند (ذب)؛ چنان‌چه دشمن ناجوانمردانه به صحنه کارزار وارد شود؛ او نیز همه‌جانبه به رویارویی می‌پردازد (حمایت). آری؛ یاور مهدی عجل الله فرجه از هیچ تلاشی دریغ نمی‌کند و تا سرحد شهادت پیش می‌رود «والمستشهدين بين يديه».

جالب توجه آن‌که این جملات، هم زمان ظهور را می‌گیرد و هم زمان غیبت را، یا فقط زمان غیبت را می‌گیرد؛ زیرا جملات قبل «اللهم إني أُجِدُّ لَه في صبيحة هذا اليوم و ما عشتُ من أيامي عهداً...» و جملات بعد «اللهم إن حال بيني و بينه الموت» به زمان قبل از ظهور مربوط است.

این مضمون در دعاهاى دیگر هم تکرار می‌شود: کفعمى، ۱۴۰۳: ص ۶۷۵؛ کورانى، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۲۰۵، ح ۷۲۶).

۱. امام صادق عليه السلام در ذیل آیه می‌فرماید: نُزِلَتْ فِي الْقَائِمِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام هُوَ وَاللَّهُ الْمُضْطَرُّ إِذَا صَلَّى فِي الْمَقَامِ رَكْعَتَيْنِ وَ دَعَا اللَّهَ فَأَجَابَهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُهُ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ (قمي، ۱۴۴۱: ج ۲، ص ۱۲۹؛ حویزی، ۱۳۸۹: ج ۴، ص ۹۴، ح ۹۳).

۲. در دسته اول از ادله زمینه‌سازی به آن اشاره شد.

اگر گفته شود، مراد از این فقرات دعا، انصار حضرت در زمان ظهور است، می‌گوییم: اولاً، اطلاق واژه نصرت شامل قبل از ظهور و نیز بعد از ظهور می‌شود؛ ثانیاً، کسی می‌تواند یاری کننده در ظهور باشد که قبل از ظهور درصدد یاری باشد و مشق یآوری را به تمام و کمال نوشته و بدان عمل کرده باشد. آیا مدعی یآوری مهدی علیه السلام به صرف ادعا و بدون این که قبل از ظهور قدمی برای نزدیک شدن آن بردارد؛ می‌تواند یاور مهدی علیه السلام در ظهور باشد؟! کسی که در مقدمات و ایجاد شرایط ظهور یاری نمی‌کند، چه‌طور می‌تواند بعد از ظهور یاور باشد؟! ۷- روایاتی که به طور خاص به یاران زمینه‌سازی اشاره می‌کنند که پس از جنگ، پرچم پیروزی را به دست امام مهدی علیه السلام می‌سپارند:

خداوند آخرت را بر دنیای ما اختیار کرد و اهل بیت علیهم السلام من از من بلا و مصائب می‌بینند تا اینکه قومی از مشرق با پرچم‌های سیاه می‌آیند، حق را دو یا سه بار طلب می‌کنند اما به دست نمی‌آورند می‌جنگند یا اینکه حق به آنان داده می‌شود. اما نمی‌پذیرند و به اهل بیت من علیهم السلام می‌سپارند و او جهان پر ستم را از عدل و داد پر می‌گرداند. هر کس این امر را درک کرد به آنان ملحق می‌شود ولو خود را بر برف بکشد. زیرا این شخص مهدی علیه السلام است (حلی، ۱۴۱۶: ص ۳۰ و ۱۱۷؛ کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۳۸۱ - ۳۸۶، ح ۲۴۵ و ۲۴۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ص ۲۴۳).

در این روایت، به زمینه‌سازان ویژه و اهمیت کار آنان اشاره شده است؛ همان‌ها که با فراهم آوردن آخرین زمینه‌های ظهور، حکومت را به جایگاه اصلی‌اش بازمی‌گردانند.

این مضمون در روایات اهل سنت، به نام «مُوطَّوْن» معرفی می‌شوند.<sup>۱</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید:

«يَخْرُجُ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيُوطَّوْنُ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ» (طبرانی، ۱۴۱۵: ج ۱، ص ۲۸۹ و سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸).

۱. این مضمون به عنوان روایات رایات سود، حدیث اهل مشرق، حدیث ما یلقى اهل بیته علیهم السلام بعده - که میان آن‌ها روایات معتبر نیز موجود است - معروف است (کورانی، ۱۴۱۱، ص ۲۲۰).

«یوطئون»، از ماده «وطئ» به معنای تمهید و آماده سازی است و مراد از سُلطان، سلطنت و حکومت امام زمان علیه السلام است.

این دسته از یاوران با رو در رویی نظامی و جهاد در راه خدا، زمینه های ظهور را محقق می سازند و با به میدان آوردن جان خود، آخرین حلقه های مفقود را تکمیل می نمایند و در نهایت پرچم را به دست امام مهدی علیه السلام می سپارند. ما باید با بالابردن معرفت امام و ایجاد بسترهای ولایت پذیری امام زمان علیه السلام میان مردم (آمادگی فرهنگی) و نیز آمادگی های دیگر، همانند آمادگی سیاسی، اجتماعی و نظامی سطح جامعه را بالا برده و به سطح زمینه سازان خاص نزدیک کنیم. گویا در این گونه روایات، بسترها و حلقه های مفقود تا ظهور گزارش می شود تا با شناسایی و برنامه ریزی بتوانیم آن ها را تکمیل کنیم و زمینه ظهور را فراهم سازیم.

۸- روایاتی که بین نصرت و تعجیل فرج جمع می کند:

«فَعَجَلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ وَ كَثَرَ أَنْصَارَكَ وَ أَعْوَانَكَ وَ أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ» (محمد بن مشهدی، ۱۴۱۹: ص ۶۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸، ص ۳۷۴).

این گروه از روایات بر ارتباط تعجیل ظهور و وجود یاران و نیز با در نظر گرفتن روایات دیگر، بر اثرگذاری نصرت در تعجیل ظهور اشاره می نمایند؛ گویا وجود یاران لازمه ظهور است.

با دو جمله «عَجَلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ» بر تغییرپذیری زمان ظهور و نزدیک شدن آن تأکید می ورزد. سپس با عبارت «كَثَرَ أَنْصَارَكَ وَ أَعْوَانَكَ» بر تأثیر یاران در ظهور اشاره می کند؛ چنان که در جمله پایانی «أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ» تحقق وعده الهی را پس از درخواست یاران قرار می دهد؛ گویا وجود یاران، بر تحقق وعده الهی (ظهور) اثرگذار است. جالب توجه آن که در این روایت، به کثرت یاران توجه می شود و این فرد و جامعه زمینه ساز هستند که باید یاران لازم را فراهم آوردند.

۹- روایاتی که به صراحت بین نصرت و زمینه سازی جمع می کند:

حضرت علی علیه السلام در روایتی به مردم می فرماید: از خدا درخواست نصرت کنید؛ ولی طلب یاری کافی نیست؛ بلکه باید زمینه آن را فراهم آورید: «اسْأَلُوا النَّصْرَ وَ وَطَّنُوا أَنْفُسَكُمْ

عَلَى الْقِتَالِ» (کافی، ج ۵، ص ۳۸، ح ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۳، ص ۴۴۸، ح ۸).  
به این معنا در آیات و روایات متعددی اشاره شد که در بحث بعدی (معیار و مکانیسم حضرت الاهی) به آن می‌پردازیم.

پس، ناصر حضرت مهدی علیه السلام کسی است که به طلب یاری و دعا برای ظهور بسنده نمی‌کند؛ بلکه خود به میدان می‌آید و مردانه کمر همت می‌بندد و در خود و دیگران آمادگی فردی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایجاد می‌کند و سست و ناتوان به گوشه‌ای نمی‌خزد و یا به حداقل‌ها بسنده نمی‌کند.

چنان که امام عصر علیه السلام در اولین خطبه خود هنگام قیام، می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ» و در آخر خطبه چنین خواهد فرمود: «لَا تَخْذَلُونَا وَ أَنْصُرُونَا يَنْصِرْكُمْ اللَّهُ تَعَالَى» (نعمانی، ۱۳۸۳: ص ۲۹۰، ب ۱۴).

ندای نصرت‌خواهی مهدی علیه السلام، نه تنها زمان ظهور بلند است؛ بلکه چنین ندایی همین الان نیز بلند می‌باشد. ما باید پنبه‌ها را از گوش‌های خود بیرون آوریم و برای یاری همه‌جانبه حضرت آماده باشیم.

۱۰- روایاتی که اهل برخی شهرها را ناصر معرفی می‌کند:

قم؛ «اهل قم انصارنا»؛ (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶، صص ۱۶ و ۲۱۴) «أما انهم أنصار قائمنا» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۶، ص ۲۱۸).

طالقان؛ «هم أنصار المهدی فی آخر الزمان» (اربلی، ۱۴۰۵: ج ۳، ص ۲۶۸ و کورانی، ۱۴۱۱: ج ۳، ص ۸۴، ح ۶۲۹).

عراق؛ «يَكُونُ بِالشَّامِ جُنْدٌ وَ بِالْعِرَاقِ جُنْدٌ وَ بِالْيَمَنِ جُنْدٌ...» (ابن حنبل، ج ۴، ص ۱۱۰).

شام؛ «الْأَبْدَالُ يَكُونُونَ بِالشَّامِ» (ابن حنبل، ج ۱، ص ۱۱۲ و کورانی، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۱۸۳).

مصر؛ «يُبَایِعُ الْقَائِمَ... عِدَّةُ أَهْلِ الْبَدْرِ فِيهِمُ النُّجَبَاءُ مِنَ أَهْلِ الْمِصْرِ وَ الْأَبْدَالُ مِنَ

أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنَ أَهْلِ الْعِرَاقِ»، (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۸۴).

اشکال: بحث ما در زمینه‌سازان است نه یاوران. زمینه‌سازان پیش از ظهور در فراهم‌سازی

ظهور نقش اجرا می‌کنند و یاوران در هنگامه ظهور و پس از آن.

جواب: این تفاوت میان زمینه سازان و یاوران خاص هست؛ اما این زمینه سازان هستند که با فراهم کردن محیط فردی و اجتماعی، جامعه را به سوی تشکیل یاران ویژه سوق می دهند و بدین گونه یاران زمینه ساز، در سرعت بخشیدن به ظهور مؤثر می گردند. یاران زمینه ساز بستر تحقق یاران ویژه را فراهم می سازند. علمای دین مهم ترین دسته از زمینه سازان هستند؛ چرا که اگر آنان نبودند هیچ دینداری باقی نمی ماند. امام عسکری علیه السلام از امام هادی علیه السلام نقل می کند:

«لولا مَنْ بَقِيَ بعد غيبة قائمنا من العلماء الداعين إليه، والدالين عليه، والدالين عن دينه بحجج الله والمنقذين للضعفاء عباداً لله من شباك إبليس و مردته، و من فخاخ النواصب، لما بقى أحدٌ إلّا ارتدَّ عن دين الله ولكنهم الذين يمسكون أزيمة قلوب ضعفاء الشيعة، كما يمسك صاحب السفينة سكانها، أولئك هم الافضلون عند الله عزوجل». (طبرسی، ۱۳۸۶: ج ۲، ص ۲۶۰ و مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۶).

در این روایت، علما به عنوان یاورانی (ذاب) معرفی می شوند که فرمان کشتی هدایت مردم در زمان غیبت دست آنان است. آنان از حریم دین مراقبت می نمایند و اینان باید این کشتی را به دست سکان دار اصلی بدهند و تا آن زمان، محافظت از این کشتی دست علم است تا کشتی غرق نشود.

#### نتیجه

زمینه سازی، با چندین دسته از روایات نصرت قابل اثبات است. این روایات عبارتند از: سه دسته از روایاتی که بر یاری امام ترغیب می کنند؛ نصرت امام حق را واجب می دانند و آن را میثاق الاهی می شمارند. دسته ای از روایات که وجود یاران را شرط لازم قیام هر امامی می شمارند و نبود یاران را موجب محرومیت از ظهور می خوانند. دو دسته از روایاتی که یاران را به عنوان موطئون و زمینه سازان معرفی می کنند و شهرهای یاران امام مهدی را نام می برند.

دسته‌ای از روایات که بر دعا برای یاری امام زمان علیه السلام تأکید می‌کنند.  
در نهایت، دو دسته از روایات که میان نصرت و تعجیل فرج و همچنین بین نصرت و  
زمینه‌سازی جمع می‌کنند.

### منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن حنبل، احمد، مسند، بیروت: دارالصاد، بی تا.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، بی جا، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۵. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّة، بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ق.
۶. انوری، دکتر حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: سخن، ۱۳۸۲ش.
۷. تلعبیری (شیخ مفید)، محمد، الاختصاص، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۸. تلعبیری (شیخ مفید)، محمد، مصنّفات الشیخ المفید رسالات فی الغیبة (الرسالة الثالثة، المؤتمر العالمی بمناسبه ذکری الشیخ المفید، ۱۳۷۲ش.
۹. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: احمد غفور عطار، بیروت: دار العلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
۱۱. حلّی، ابن طاوس، الملاحم و الفتن، اصفهان: گلپهار، ۱۴۱۶ق.
۱۲. حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف: حیدریه، ۱۳۷۰ق.
۱۳. حویزی، عبد علی، نور الثقلین، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۸۹ش.
۱۴. دهخدا، فرهنگ دهخدا، تهران: مؤسسه، لغت نامه دهخدا، بی تا.
۱۵. سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، تهران: دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۱۶. سیدرضی، الفصول المختارة، بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
۱۷. شهید صدر، سیدمحمد، التکلیف الاسلامی فی عصر الغیبة، بیروت: دارالمفید، ۱۴۲۳ق.
۱۸. صدوق، محمد، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة فی قم المقدسة، ۱۴۰۳ق.
۱۹. صدوق، محمد، کمال الدین و تمام النعمه، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق.
۲۰. صفار، محمدبن حسن، بصائر الدرجات، تهران: اعلمی، ۱۴۰۴ق.
۲۱. صفایی حائری، آیت الله عباس، تاریخ امیرالمؤمنین علیه السلام، قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۷۸ش.



۲۲. طبرانی، المعجم الاوسط، دارالحرمین، ۱۴۱۵ق.
۲۳. طبرسی، ابوالفضل، مشکاة الأنوار، قم: دار الحديث، ۱۴۱۸ق.
۲۴. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، نجف: دار النعمان، ۱۳۸۶ق.
۲۵. طوسی، محمدبن حسن، الغيبة، تحقیق، عباد الله تهرانی و علی احمدناصح، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق.
۲۶. عسکری، ابوهلال، الفروق اللغویه، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۲۷. فقیه ایمانی، محمدباقر، شیوه های یاری قائم آل محمد ﷺ، اصفهان: عطر عترت، ۱۳۸۱ش.
۲۸. فیروزآبادی، القاموس المحيط، بی جا، بی تا.
۲۹. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: دار الکتب العلمیه، ۱۳۹۸ق.
۳۰. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، بیروت: دار الفكر للطباعه و النشر، بی تا.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تصحیح سید طیب موسوی جزایری، قم: دار الکتب للطباعه و النشر، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.
۳۲. کفعمی، ابراهیم بن علی، جن المان الواقیه و جنة الایمان الباقه المشتهر به المصباح، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
۳۳. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳ش.
۳۴. کورانی، علی، عصرالظهور، قم: مکتب الاعلام الاسلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۳۵. کورانی، علی، معجم احادیث المهدي ﷺ، اول، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق.
۳۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۳۷. محمد بن مشهدی، المزار، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ق.
۳۸. مدنی، سیدعلی خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ق ۱۴۱۵.
۳۹. نعمانی، محمد، الغيبة، قم: المکتب الصابری، ۱۳۸۳ق.
۴۰. نقوی، سید حامد، خلاصه عبقات الأنوار، تهران: مؤسسه البعثه، ۱۴۰۵ق.